

گفت وگو با سارقی که  
در پوشش نظافتچی سرقت می کرد

# مرا با پول و طلا تنها می گذاشتند

به امید پیدا کردن کار خوب از شهرستان به تهران آمد اما در نهایت به عنوان نظافتچی در خانه ها مشغول به کار شد. کاری که او را برای سرقت وسوسه کرد. سرقت از خانه ها را آغاز و بعد از شکایت های مشابه تحت تعقیب قرار گرفت و دستگیر شد. در حاشیه طرح پلیس، فرصتی دست داد تا با او گفت وگو کنیم که در ادامه می خوانید.



بستری است و طلاهایش را داده تا بفروشم. آنها هم باور کرده و می خریدند.  
**مالباخته ها سراغت نمی آمدند؟**  
من در سایت های اینترنتی آگهی می دادم و بعد از هر سرقت سیم کارت را عوض می کردم.  
**با این سرقت ها مشکل مالی ات حل می شد؟**  
اجاره خانه ام و برخی هزینه هایم را تامین می کردم.  
**همسرت اطلاع داشت؟**  
نه.  
**شک نکرده بود چطور وضع مالی ات خوب شده؟**  
وانمود می کردم خودم شرکتی راه اندازی کرده ام و به همین دلیل وضع مالی ام خوب شده است.  
**چطور دستگیر شدی؟**  
با شکایت مالباختگان ماموران متوجه شدند تمام سرقت ها توسط یک مجرم انجام می شود و در سایت های اینترنتی کمین گذاشته و با من قرار گذاشتند. وقتی

به محل قرار رسیدم با ماموران روبه رو شده و دستگیرم کردند. ابتدا منکر سرقت شدم اما فیلمم در بعضی محل های سرقت ضبط شده بود و راهی برای فرار از اعتراف نداشتم.  
**چند نفر از توشکایت کرده اند؟**  
آن طور که شنیدم ۱۲ نفر.  
**فکر می کردی دستگیر شوی؟**  
نه. سعی می کردم ردی از خودم باقی نگذارم و حتی سیم کارت ها را با مدارک کارتن خواب ها می گرفتم.  
**چقدر سرقت کردی؟**  
حساب کتاب نکردم. به طور دقیق نمی دانم. در هر سرقت بین ۵۰۰ هزار تا چهار میلیون تومان دستم را می گرفت.  
**ارزشش را داشت؟**  
نه. در این مدت آبرویم پیش همسر و خانواده اش رفت. آنها باورش نمی شد من دزدی کرده باشم. چند روز قبل دخترم را در اداره آگاهی دیدم. اول مرا نشناخت. همانجا دنیا روی سرم خراب شد. اگر آزاد شوم دیگر سمت سرقت نمی روم.

**چه شد که تصمیم به سرقت به این شیوه گرفتی؟**

به عنوان نظافتچی به خانه ها می رفتم و بعضی از آنها خیلی زود به من اعتماد می کردند و به راحتی می توانستم از آنها سرقت کنم.

**تو که کار داشتی؟**

دخل و خرجم جور نبود. یک روز که کار کنی تهش صد هزار تومان گیرت می آید. با این گرانی و اجاره بالای خانه ها ماهی سه میلیون تومان به کجا می رسید؟

## از شرکت های معتبر کارگر بگیرد

سرقت در پوشش نظافتچی یا کارگر ساختمانی یکی از روش های دزدان است. آنها در این پوشش به راحتی به خانه ها راه پیدا کرده و سرقت های خود را انجام می دهند که گاهی با قتل هم همراه است. بارها هشدار داده ایم از شرکت های معتبر که ثبت شده اند کارگر گرفته و افراد ناشناس را به خانه راه ندهید. همچنین در روزهایی که قرار است کارگر به خانه تان بیاید، او را تنها نگذارید و پول و طلاها را در گاوصندوق قرار داده یا نزد افراد مطمئن بگذارید. زنان سالخورده و تنها، هنگامی که کارگران را برای نظافت یا تعمیرات به خانه می آورند از بستگان خود درخواست کنند در آنجا حضور داشته باشند تا تنها نباشند.

سرهنگ کریمخانی  
رئیس پلیس آگاهی  
غرب استان تهران

## معمای قتل گروگان ۱۴ ساله

محکم

پرونده قتل پسر نوجوان که قربانی گروگانگیری شده، در حالی در دادگاه جنایی تهران رسیدگی شد که متهم اصلی پرونده همچنان فراری است.

به گزارش خبرنگار تپش، رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل و با قتل پسر ۱۴ ساله ای در فرون آباد پاکدشت آغاز شد. پدر مقتول که با پلیس تماس گرفته بود، به ماموران گفت: پسر برای بردن زباله ها از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. با طولانی شدن غیبتش نگران شدم. همان موقع یکی از بستگان تماس گرفت و خبر داد، محمدحسین به او پیامکی داده و مدعی شده او را در خانه ای زندانی کرده اند. از خانه بیرون آمده و با صدای بلند پسر را صدا می زدم. ناگهان در خانه ای باز شد و پسر در حالی که چاقویی به گلویش اصابت کرده بود از خانه بیرون آمد. سریع خودم را به محمدحسین رسانده و او را در آغوش گرفتم. قبل از اینکه بتوانم کاری کنم، پسر در آغوشم جان باخت.

ماموران پس از حضور در محل و تحقیقات مقدماتی پسر ۱۹ ساله ای به نام ایمان را به عنوان متهم دستگیر کردند. او در تحقیقات مدعی شد در قتل نقشی نداشته و دوست فراری اش به نام بهنام عامل جنایت است.

با گذشت یک سال از این جنایت و در حالی که بهنام فراری بود، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و ایمان در شعبه هفتم دادگاه کیفری پای میز محاکمه قرار گرفت.

در ابتدای این جلسه پدر و مادر محمدحسین درخواست قصاص قاتل پسرشان را مطرح کردند. پدر محمدحسین گفت: پسر من آن شب از سوی ایمان و دوستش ربوده

شد. محمدحسین از ترسش به چند نفر پیامک ارسال کرده و از آنها کمک خواسته بود که پیامک های ارسال شده هنوز موجود است. ایمان را عامل این جنایت می دانم. او موقع فرار با چاقو به گردن پسر من ضربه زده بود. من برایش قصاص می خواهم و حاضر به گذشت نیستم. ادعاهای او در دادسرا درست نیست. هیچ دلیلی وجود ندارد که پسر من با پای خودش به آن خانه رفته باشد. ایمان گفته برای خوشگذرانی به آن خانه رفتند، اگر اینطور بود پسر من پیامک ارسال نمی کرد و او را گروگان گرفته اند.

در ادامه ایمان به عنوان متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: من و محمدحسین باهم دوست بودیم. آن شب او به خانه ما آمده بود. بهنام هم آنجا بود. ما مشروب خوردیم. اما یکبار بهنام با محمدحسین درگیر شد و با چاقو به گردنش زد. نمی دانم محمدحسین چرا آنشب به بستگانش پیامک داده و مدعی شده او را گروگان گرفته ایم.

رئیس دادگاه: به دلیل فراری بودن بهنام قتل را گردن او می اندازی؟ ایمان: من از ابتدا قتل را قبول نکرده و اعتراف نکردم. من با محمدحسین دشمنی نداشتم و دوست بودم.

رئیس دادگاه: چرا جلوی بهنام را نگرفتی؟

ایمان: این درگیری و اتفاق آنقدر سریع رخ داد که من نتوانستم جلوی او را بگیرم. اگر بهنام مرتکب قتل نشده بود، چرا فرار کرده است.

رئیس دادگاه: چرا به محمدحسین کمک نکردی؟

ایمان: وقتی دیدم خون از گردن محمدحسین فواره کرده آنقدر ترسیدم که فقط به فرار فکرمی کردم.

پس از دفاعیات متهم، جلسه دادگاه تجدید شد تا شاهدانی به دادگاه بیانند و رسیدگی ادامه پیدا کند.